

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۶ دسمبر ۲۰۱۱

## توصیف عمومی تولید کالائی

**مفهوم تولید کالائی:** منظور از تولید کالائی، تولید فرآورده ها نه به منظور استفاده شخصی بلکه برای فروش، برای مبادله در بازار می باشد. لنین می نویسد: "منظور از تولید کالائی، سازمانی از اقتصاد اجتماعی است که در آن، فرآورده ها، به وسیله تولید کنندگان مستقل و مجزا از یکدیگر، که هر یک در ساختن نوعی فرآورده تخصص دارند، تولید می گردند، به طوری که برای رفع نیازمندی های جامعه، خرید و فروش این تولیدات (که بنابراین به صورت کالا در می آیند) در بازار، ضروری است."

تولید کالائی که در دوره تلاشی کمون اولیه آغاز گردید، در مناسبات تولیدی برده داری و فئودالی با وجود آن که اقتصاد طبیعی در این هر دو دوره غالب و متداول بود، وجود داشت. در اقتصاد طبیعی جامعه از مجموعه ای واحد های اقتصادی همسان تشکیل می یابد که هر یک، همه اقسام کار، از تهیه مواد خام گوناگون تا عمل آوردن آنها برای مصرف خود را، انجام می دهند. اینگونه اقتصاد که در آن بخشی اصلی تولید مازاد مبادله می گردد، تا ظهور سرمایه داری معمول و مسلط بود.

تکامل سرمایه داری ضربه خرد کننده ای به اقتصاد طبیعی وارد ساخت. در نظام سرمایه داری همه چیز من جمله نیروی کار انسان به صورت کالا در می آید. وقتی نیروی کار انسان در هیأت کالا در آمد، تولید کالائی متداول و عمومی شد. هنگامی که تولید کالائی در نظام سرمایه داری شکل اصلی و مسلط تولید شد، روابط بین افراد در روند تولید، یعنی روابط تولیدی مردم با یکدیگر، شکل روابط بین کالا ها را به خود گرفت. برای تصور این موضوع رابطه تولیدی اساسی جامعه سرمایه داری یعنی رابطه کارگر و سرمایه دار را در نظر گیریم. سرمایه دار برای استثمار کارگر باید او را مزدور سازد، در حالی که کارگر باید نیروی کار خود را که اکنون دیگر کالا شده است، بفروشد. سرمایه دار مزدی به کارگر می پردازد که کارگر با آن مزد اسباب معاش، یعنی کالاهائی را برای خود بخرد. به این ترتیب، روابط تولیدی بین کارگر و سرمایه دار، مستقیماً بیان نمی شوند بلکه توسط کالا بیان گردید و خصلت روابط بین کالا ها را به خود می گیرد.

سرمایه داران، فرآورده های تولید شده را به یکدیگر فروخته و از یکدیگر مواد خام، تجهیزات و کالا های دیگر را خریداری می کنند. روابط بین سرمایه داران نیز خصلت روابط بین کالا ها را به خود می گیرد. در نتیجه در جامعه سرمایه داری در حالی که روابط بین افراد به صورت روابط بین اشیاء یعنی کالا ها ظاهر می گردد، تولید کالائی خصلتی عمومی و مسلط و رایج پیدا می کند.

**شرایط پیدایش تولید کالائی:** تولید کالائی تنها آنجائی پیدا می شود که شرایط معینی برای پیدایش آن وجود داشته باشند. مهمترین شرطی که برای پیدایش و دوام تولید کالائی لازم است، تقسیم اجتماعی کار می باشد. منظور از تقسیم اجتماعی کار این است که ساختن فرآورده های گوناگون بین افراد جداگانه یا گروه های جداگانه مردم، تقسیم شده باشد. برای مثال، گروهی از افراد به بافتن پارچه اشتغال ورزند، گروهی دیگر کفش می دوزند، گروه سوم لوازم خانه، چهارمی کار افزار و غیره. واضح است که این افراد برای رفع نیازمندی های شخصی خود باید فرآورده های کار خود را مبادله کنند و به این طریق جمع کلیه تولید کنندگان با یکدیگر، یک واحد تولیدی بزرگ تشکیل می دهد که اعضای آن وابسته به یکدیگر اند.

لیکن تقسیم اجتماعی کار، تنها یکی از شرایط لازم برای بقاء تولید کالائی است. شرط اساسی دیگر، وجود مالکان گوناگون برای وسائل تولید در جامعه است. مورد زیر را در نظر بگیرید:

شخصی چیزی ساخته است و می خواهد آن را به دیگری بفروشد. آیا او قادر به اینکار است؟ جواب تنها در صورتی مثبت است که او خود مالک وسائل تولید که در ساختن آن شیء به کار رفته و بنابراین مالک خود شیء باشد.

برای مثال، علی رغم این واقعیت که در کمون اولیه نوعی تقسیم کار وجود داشته، هیچ گونه تولید کالائی و هیچ گونه مبادله کالا در آنها وجود نداشته است. اعضای کمون محصول کار خود را مبادله می کردند، ولی آن فرآورده ها را به یکدیگر نمی فروختند. آنان قادر به اینکار نبودند زیرا کمون در مجموع و به طور کلی مالک وسائل تولید و فرآورده های کار بود. وقتی فرآورده یک کمون در مقابل فرآورده کمون دیگر مبادله می شد، این مسأله جداگانه بود. در این مورد یک مبادله مالکیت صورت گرفته بود و فرآورده کار، یک کالا می بود.

به این ترتیب اساس تولید کالائی، تقسیم اجتماعی کار و وجود مالکین متعدد و مختلف وسائل تولید در جامعه می باشد. تنها زمانی که هر دوی این شرایط موجود باشند، تولید کالائی و نوعی مبادله تولیدات، به شکل خرید و فروش پیدا می شود.

**تولید کالائی ساده و تولید کالائی سرمایه داری:** تولید کالائی سرمایه داری به اساس کالای ساده و در آنجائی به وجود می آید که شرایط معینی وجود داشته باشند. برجسته ترین نمایندگان تولید کالائی ساده دهقانان جز و صنعتکاران دستکار می باشند. آنها تولید خود را به کار شخصی پایه گذاری می کنند یعنی خود کار می کنند و کار دیگران را استثمار نمی کنند. هر تولید کننده ساده کالا مالک وسائل تولیدی خویش است. او نه برای مصرف خود بلکه برای بازار به منظور فروش تولید می کند.

تولید کالائی ساده، طبیعت دو گانه ای دارد. از طرفی چون مبتنی بر مالکیت خصوصی است، دهقان جز یا صنعتکار دستکار، خود مالکی به حساب می آید و این امر او را به سرمایه دار نزدیک می کند، از طرف دیگر چون تولید کالائی ساده به اساس کار شخصی استوار است، تولید کننده کالا فرد زحمتکشی است و این امر او را

به کارگر که خلاف او مالک هیچ گونه وسائل تولید نیست، نزدیک می کند. از اینروست که طبقه کارگر با دهقانان مصالح مشترکی دارد و در نتیجه می توانند با یکدیگر متحد شوند.

تحت بعضی شرایط اجتماعی، تولید کالائی ساده می تواند نقطه عزیمت و اساس پیدایش تولید سرمایه داری قرار گیرد. از این نوع شرایط، دو تا در حال حاضر وجود دارند. نخست وجود مالکیت خصوصی وسائل تولید. می دانیم که این شرط در دوره تلاشی جامعه کمون اولی فراهم آمد. دوم، تبدیل شدن نیروی کار به یک کالا، این امر طی دوره تلاشی جامعه فیودالی فراهم شد.

تولید کالائی ساده ناپایدار است. زیرا بین دهقان و صنعتکار دستکار یک روند تشکیل طبقات پیوسته در حال وقوع است، برخی (اقلیت) توانگرتر می شوند در حالی که بقیه (اکثریت) تهیدست تر. در شرایط فوق الذکر این جریان، موجب تشکیل یک طبقه بورژوا و طبقه دیگری که متکی به نیروی کار (پرولتر) است، هم در شهر و هم در روستا گردید.

تولید کالائی سرمایه داری مانند تولید کالائی ساده به اساس تقسیم اجتماعی کار و مالکیت خصوصی وسائل تولید استوار است. لیکن، اینگونه تولید کالائی نه به کار شخصی خود تولید کننده، بلکه بر استثمار کاری که به وسیله مالک وسائل تولیدی مزدور گردیده، پایه گذاری شده است. سرمایه دار که هم وسائل تولید و هم پول در اختیار دارد، خودش کار نمی کند. او با پول خویش برای به حرکت انداختن وسائل تولید خود، نیروی کار می خرد. مفهوم تبدیل شدن نیروی کار به یک کالا، آنست که در نظام سرمایه داری، تولید کالائی تکامل بیشتری یافته و عمومی می شود.

لنین می نویسد مبادله کالا به عنوان "ساده ترین، معمولی ترین، اساسی ترین، عمومی ترین و نوع روزمره رابطه در جامعه بورژوائی (جامعه کالائی) در می آید، رابطه ای که هزاران میلیون بار با آن روبرو می شویم." بنابراین باید تشریح کنیم که کالا، این سلول سازنده جامعه سرمایه داری، واقعاً چیست؟

ادامه دارد...

\*\*\*\*\*

بر گرفته از کتاب علم اقتصاد، نوشته ای: پ نیکی تین